

مرز ک المنتقبال المنتقبال

مسلع مور - ايك عرون بازه

مسيدنا معنون ميليات آيس و اما في ديده مقد تفاط العرص المويط به بالاعت نے امخا بديد مشيدة بحدث إلي مسكر كا محال معنون بيشار و وارائ بالعروائي آي درا لكا كرفيس من موالا وارائيش محديده سوف مي والدوائي الدوائي ميد فرائ هي اورمين بيشول كو آج مدل المحافظ الما الدوائيس المي عدد في المعظم الفات المشاف المواج الما برائات السائل المواجد الما الدوائيس وارائي الميس بو بينو المي المد تقود أب كو مجاه المواجد المواجد المواجد المواجد الما المواج بوانا الآن مح المياسات التأسيس الدوائيس المي وربا الدولات المدائية المواجد المدائيس الما في المواجد الما المواج بوانا الآن كا بحرائيسات التأسيس الدوائيسات

المستحد الم المستحد الم المستحد المست

المستولي المن المنظول المنظول

นากเปลี่ยนและเปลี่ยนในที่มีที่สำคัญกระทรัสสาร์การ ของใหญ่และเปลี่ยนและเจาะสาร์การ์การสารการการที่สารใ ของใหญ่และเจาะสาร์การ์การ์การ์การ์การการการที่สารใหม่ ความและได้เกาะสาร์การการสาร์การ

المساع ا

ا به به المسلم و به المسلم و المساول عن المسلم المن المسلم المن المسلم المسلم المسلم المسلم المسلم المسلم الم بع برسلادي من المدين بي المسلم ال في المسلم الما إلى المسلم و المسلم المسلم

جسائد اور یک بارشامی وهم آن پنیل ایک اید و آن تیمینیکایورا یک درخد به است. ار کام ای توریخ بارد کار این ایر ایر ایر ایر این است با یک ترکزی این این این ایر این ایر ایر ایر ایر ایر ایر ای عمل به به بسته دایستان میزود و در ایر ایر این بیشت ایران که و ایران ایران برد کام ایران و درگارای ایران ایران می ایران به ایران می به در ایران ایران کوی ایران ایران می برد ایران ایران کار می ایران ایران کار ایران ایران کرد. شده ایران که بیشتران می ایران کوی کارس ایران کرد کرد ایران می برد ایران کارش ایران ایران کرد.

المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة المنافعة

را من المؤده و الروسطة كيار الموالي من بالمناسطة كي الميان وقتى و القول كلام كران بينا تنوا كول الموالي بين ال المن بين الموالي والمعلى الموالية الموالية الموالية كيار بين الموسطة كي الموالية الموالية الموالية الموالية الم الموالية الموالية الموالية الموالية الموالية والموالية الموالية الم

ا الانتخاب المساول الم على منافل المساول المس ومن المساول الم

Elsperents Ene Leders of the conditions of the energy of the conditions of the energy of the conditions of the condition

Like of 3 billion of the well of the co

هم المساول كول في المساول المواقع المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول المساول المس المساول المسا

مصر خلیفة لین الران ایران العالی ایران العالی ایران المان ا

دعاؤل پر نور دواور سلدک زئی کھیلئے کئی تھم کی قربانی مے دربع ند کرو

اجتماعی دعایل افرادی دهاوک پرمہت بڑی فوتیست اکھتی ہیں

وعودة والرائ كالدار بقام قاديان

حرث هيد مهم الكافي ايد الشرق سك جورا او نستان ايل شكائز اكريس مي مست تها دهم وشد السك الكرايام الأكرام مه مي م امه ي احدد الدي المدين المعلى والمستون والمعلى والفيون والدين الدياس المراح والانتسال سك بدرا الا المهندي والدي الذكارة بي الديسي الأحدد الدير تقوير المحل كمستنائع أبلي من التي الدياس المصيح المهاسية ومن ي المعالي المنابع و وشاكسها ودهواي فاحل الفيرة المواج المستنائع أبلي من الدياس والمنابع المنابع والمائي المنابع ال

ادران ادون کی کوافت کا اصلی عدد اسال گفته دارا بر به مراح وسک دلیای بایاج آ میصد الراست میشد که فرخی سب ۱۱ این اداریدی کادک ایام می ادر میده این ادر پرمشه ادوسکه از این می گرایدی این ایست ادارا به اعترات کم اداری خواب که ادارای میشود می ادرای که ادارای میشود کم اداری کار ادارای که ادارای میشود کم ادارای کردا که ادارای میشود کم ادارای که دادارای کردا که دادارای کردا که دادارای که دا

الجمالاتها

والميسل مي الدوق مواين إلى الماره بالموايد و التحالي الموايد المراق الموايد المراق الموايد المراق الموايد المراق الموايد المراق المراق

چالین ان کے اقد اندونا اللے کھا۔ عزلہ کا ادری کہ کورونا کا این انتخابی اندونا میں پیٹر کے اور انتخابی انتخابی کا اور انتخابی کے

شگ اکب چ میمان بازی آن اردار کی آنیدگا صاف میدا به این با به است بیمیده ۱۳ بازی کاریک ایرفائیس الدائد ۱۳ تو ای که ایل ای تجمی شده و ۱۳ داری آنیا که این که این که این که این که این ایس میکه کاری کردی و مدرک دک و کست و میروی آن میمانی که در در کار در تصویر از که سیستیمی از که سیستان این میرود ای میرود کشتر اورزی میرود تر از ۱۳ میمین این که دارد این با می از این ساختی این میرود

أمماك يعفاب كأتيسهل

بر خد تحمی الصواحد است است است است الدید ایران و کسال می مست اور است ایران و کسال می مست ایران و تحریح می مست ا و استی بر اصلی ایران و استی می ایران و است بری است ایران و ایران و ایران ایران ایران ایران ایران ایران ایران ا استی از ایران و سال ایران و استی استی ایران و سال می ایران و ایران ایران و ایران ایران

الترقيب ليسك معنور ودا الروع كدي

آ . وي ادراكر و زاري

يره المروث بين وقل المستركز أن الرواي أنه الاسيد في المارك الرواي المارك المراوي المارك المراوي المارك المراوي المناه علود العالمي الرواي المراوي المراوي المراوي المراوي المراوي في ما المارك المراوي المراوي المراوي المراوي ویش الفراری ایروس می اگریاده کس بدوده مرس می سالد اوران ای مرح بی ایران این ایروسی به می می ایروسی ایران ایروسی مجاوی که در در ایروسی ایروسی ایروسی ایروسی می می ایروسی ایروسی ایروسی ایروسی ایروسی ایروسی ایروسی ایروسی می ایروسی می ایروسی ایروسی می ایروسی ا

نذاب الدست كل كيا

ا است و لوگ آب کی فاکست می جو بسید می صورت اوسی سیده برست رست کم خودسدگی کوگر درد سید حسیب ای کمیسیسی و در که ای است می در ایسیسی می کند کشیده موسید و آبی داران شای درد و در است کی میکند هموده می خوانش کی در است می و بیند کاران آن که در کرد ایسیسید ایسیسی که در و در است ادر میسید و کوگوری فروشه جرادا بسیده ای خواند بیشته میکنده در کرد برسیسی می زیران توراست می دران آبی سه ارود این افراست می این اور است می و دارد و در در میب می زیران توراست می دران آبی در مودن می ایسیسال و در کشی و دارد میسیسی از این

الس زمانه كي والاست

سه العالمي الأولاد من ميمما أدادة المراة الإنفاظ المواقعات بالإنسان الدائل في وجست الرضائية يا است المستعلق الرقاع المرات المراق الما المراق المراق المراقب المراقب المراق المراق المراق المراقب المراقب

يل ود علامح إلى

الدوالوطان اسكان والبسنت الآن يسبب جهود الا البال وسيت که البرست موزد به آن المسلس الدوالوطان اسكان المسلس الدوال المسلس المسلس

الكيب بحاليس من ال كونكل إليا

و برطون الموسي ميدان و الدين الدين والمستمس حدد بيث من است الديد العرص حدالت المستمال المستمال المستمال المستم المحافظة الما المحلومة المستمال المستمال والمستمال المستمال المحافظة المحافظة المحافظة المحافظة المحافظة المحافظة المحافظة المحافظة المحلومة المستمال المستمال المستمال المحلومة المحلومة المحلومة المستمال المحلومة ا

ال کی زائ ہے یہ الفاظ لھے

تب يرك أوالي المان

که خواه خدک کا دیم برخدم این ایس ماهد دا انداعی در سازی می گریاک سده خدا مری باشت مجا بهت کاران از وجود انتشاری می این برخدم این انداد کوگواد سندست آمد ای توکو و در افت کرست برای و مهمی کاران از تیری آنگانی می این برخدم کوده از کار کوگراد سندست آمد ای توکه و در افت کرست برای و می ایس آست این می است ای این از این از ای در در این ایس می وایس می تا تیم رشد و شده میسید کاری دری این این این این این این این ای

ساست درزون كااعلاك

کیا سیمادد میرک و ایت میسیدند منادش آن می تورداده او نجری تو تی شی آن میاهاشنده و العصد . شی که میسکه با تورمی درزه از متضاسی والی شیس آن سنه می دونده تی با میاست میگوی میا مناسب . سندگری تورکی میزود کشته سند و ای میرخ می می دوند می این اساسی آن گذش می می دادشدند. دهمی اندر میرون از دارسد میدا میزود و این داری در این داری ایسان ای ای گذش می می دادشدند. که تعمل اندرای اوری سعد میکندست این دوران کارد دری داشتی میشد و ایشان

بمارى وماؤل اورموزول كيامي

いっちゅうじんかい

ان می سه دیگستال آندند در کوسه و ترکیان می میرود کا میکوم ترکی کارد کرده کارد دا ل مياد عدم خزاد د يت ادم خر (ان کروه چ خ جوادگدا الله می حاسة بي حاسة بي و از در خوال کرته چرد و ي بر سه کا خوال کرشيند کوئی اداخل و يا آر با چه د آواد که کارانی کرد عدار خواد از آر خوس مرت که انجا قر يا آن کست از از آن که از خواد در این به و انجا یا شاپ که سخت پر خواد می سرد به جا خاند ایل اکست از خواد از آن که نظاما و این که در این کود این که در این این می این بهر ادول خواد خواد از براه در چه داد ک شمای می این به در که که خوانی که در می که در این که در خوان اور سرد در این چار میست و چه چه داد ک شمای می این و در شد کشاره و این از در میدان از میشان شر

في من المسرالي كاعكم وياسي

بمارع سن يميق دكى أنباسي

المُعْرِقَاتُ وَى أَوْمِنَ مِن مَ إِلَيْ إِن مَ اللهِ أَنْ أَنَّ اللهِ مَا اللهِ مَا اللهِ مَا اللهِ مَلَا إِل إِلَّهُ اللهُ ثَمَّ اللهُ اللهُ عِن صلاحِ إِلَّهُ لَوَيْ نَظِلَ اللهُ اللهُ اللهُ مِن اللهُ كَا عَلَا إِلَيْ ا المُعْرِودِ مِنْ أَيْ إِلَى إِلَّهُ عِنْدُ إِلَى مَنْ اللهِ مِن جَهَا اللهُ لَا أَلَاكُ اللهُ فَاللهِ وَاللهِ مَعْ مِن مَنْ اللهُ وَاللهُ مِنْ اللهُ وَاللهِ مَنْ مِن مَنْ مِن اللهُ اللهُ اللهُ مَنْ اللهُ مِنْ اللهُ وَاللهُ مِنْ مَنْ مِن اللهُ مِنْ مِن اللهُ مِن اللهُ وَاللهِ مَنْ اللهُ وَاللهِ مَنْ اللهُ اللهُ مَن اللهُ مِن اللهُ مَنْ مِن اللهُ مِن اللهُ مِن اللهُ مِن اللهُ مَن اللهُ مَن اللهُ مَن اللهُ مِن اللهُ مَن اللهُ مِن اللهُ مُن اللهُ مِن اللهُ مُن اللهُ مِن اللهُ مُن اللهُ مِن ال

ثناه جال ليخاب يمادكما

ور المالة والمالة المالة

جيست الحاليد عندا هي ميزل مک إسمال اراس عند ير محتا ميل اروا و حارت رائل عي خرج موس شا بدا ادارود و الموالي شد - جناتي الس غدمة و شا و محاويا ليس بداد قامت بست سعد وفراها ت حقالي بر عائق آرة جرائز ان بي

بهبت لاي مكست منفي بوقي

جيد في جيال که دفاج بو خدود له و و د که دويد شد انجاز انجسسدا من ده در ادر است انجاز انجسسدا من ده اداران است ان او در اند من ارساست ان و در اداران ان او اند من ارساست من و موال او اند من ارساست من ان اند و ان

تبوك كاجلك

ود حقيافت النبك هي مي آمي و البدوارل كود عيد النار المديسة في المار المديسة والمدينة في الدوليد إدا يدى طوعت الامري المدينة والمريض الموضعة أدا به كليم الامروال الادعية في سفرا سسام كالمراب المراسعة المسلام كالمريض المراسعة ال

يستحترا ك

ا حي شام مي جاز مكون نه الول از صن لا الدخت ما الدان مي شام و الدان المراد المراد المراد المرد مي منها و الدان المرد ال

لمشكر بندى كالمسيح وسعاويا

مناق لين دون يمانيال كريي

مقالمعر كالسبيريق

مواسعهم بي تو دراد و در در در بر سال بيت المعادة تبدير واقع . او بدر برای جرسه به المدرات المستان المواسعة الم جرس بود مراك المواسعة المدرات المواسعة والمارات المواسعة المدرات المداك المواسعة المدرات المدرات المواسعة ا

ملانوں کو سیستن دیا

ا خذا آلما لما أن والمربي المرافع المحافظة في كافاع مجراء ألما البعدا ووج الما صوبيت مجي بمواقع المواقع المرافع المرا

ايدوندكا والإنسيس

د و دفو کا موال این اگر خود و فرهی بجیره این دوم به است عربی مناخ کرد و در از آیک به ایس که میراند. ما ای کست به کون دون این در این به در گلات به به به من تا شدند که ایر و در است در این این به او این به این در در از در کشور در این از با برای بردن مکمل به سق به اور در در این که در این که در این این به کام بهی آنی و این ایر در می اگر مواد که این بهی در در کشوری که این که گرست کار شدی او در ایران در ایران کوارا به با ایران ایران ا ایران می در به برد به برد و آن به می مران با کوشت کار شدی او در ایران می می ایران کوارا با با آندایی می می کوارا با با آندایی

ترين قدرة بإنيان كيك بوكرو

اگردانا آن بهری بی و جسک و درقبادا کهم می میته که آن شد با نیان کرت جلیه و آا درگیمه ایک منت شدیشه بی آب دست وادن می به میگل میسا از برگر قیدا در بر طال برسانی سراید بر در ایک مشتی بیدی برسال می شد و آن بربرستان کران با آن بید ارتباب بر از دن ارد و بروستان بیدی که صرب قر به میشود و ایک میدود میکه ایمن ادر یا گلاف گذی ای کام بی کرد برد ایران برای میگادا کام بی مدیر کرد اقامیست بیدنیا و برگر نیس قریق می ایسا ادارا گشود و آن کام و آن کرد ایران سال جهادی می

کام اکسک کا دور اُوگری کفور در برای تربیلی قرون که میکنندندی وارت او با در کیکرد. تم که اینا متماما کر دیا- برمال دو دا آن میرسی ایک بات مودر ب

الأكول خلوما صفاكيا

27 به میشند (۱۰) است و تلفه دسوا و یا فرگ در پر س طری اعدان مثل کنه سورای فرسد. چه کومک مله اود اگری ایم و میشن شد یا این به ایران که در می ایران کوکر کمست بهای و ۱۰ می وقت والات می آم کار به دو امتیان کردت این ایران که می در ایست از ایر می ادار برخواد کار برد و دافعی سه در که می می در دامل شده که کیران می در در در در در ایران که کیری در در ایران که د

منرت فوع موالتوم كے زمادي

ب غرفان الدوري الدولا و مواسات و أن الصناع موان عن الدولا إلى الدوري الدورية الدورية

برواكالك يربيعا بزاب

دودا منت عند بيناس فتى بير فاسيد قم السحايا فى كواجى الدواج المراد الما كودان الكه المنظ السهوج في المس ينظر شرح بر السهريم جارت الدولان المنظرين الانكها في إلى من الهواس ووراد في الدواج الما المنظر الما المنظر الم يها والكه كرا السن جهد والدواج التي تركم كرديا والشد السمار والمات الإدام المن الدواج الما المنظر المالية المن والحد والماس والم كوف المدافلة عن إدارا كم الماك كودياك الماسي المدافلة الماس عداد المنظرة المواجعة المنظرة الم

بمارى كارى سائد درمهت بالأكسيق

البيئة المورد المحاسبية كم خواقعات جافرون جرم كررة مك لله بي وي إيما وكرو المناه ب جريدا كرويا كرانا بهد يل براكس وان كراسكة بين كرام ان وديجه الان اكس مكاهفر دوله بعاش المدورة المعالمة المعيال وكيزات بيرا مكوسه والمكاف الحرار فاكالكا ومراجدت يمماني بيدا مدب ادفات التوقعا في بل الفقايات كوي الها ومن مدول في خاط بل ووكرة ب بهن اكرفية بمارى والأوار اعديماري فيستشول كي ويرشته موجوه والمطار الأوثال وسد آج دم والمان ي والمدام ويدا المن بدأ ما يبي كم بعادار وبي من في ميا كما كرفوا من الى قول ال الرال مكريفة قرارة وموجب بحرق سبته حالا ترود ما بالمان بوات برحامات الا الراز البتهاي الكل تها رسه من است محده أو اله الا موجد الوك عما و دميا ك حاوص ا عدة وافيا. كا إنخ الما ومح كهاما با لامنا وجه ماست من كمناجر اكري في التسديد لمراره برميناره إير سيدا . مون أيا جا كا spelating a gold in agrange since سندا يكذه كوحا واستأ المايونا بصد أأوايك ايوا ايخاشدوا في الرصين دويقه هم و الرمعة (بك الكرميان منه الما الصحيح لا فاردي غرائم الذيريم وشاع بالكرية والسرارات المارد بي وبيا استري عومن فالرحق اسيء أن الناء مع والأرور الساء الدوالوقد في ويرب لامها والهامن فرين فكالإصلاع بن لا كام والا كام والكام والمراب الما والموالية أثب كالأستندخ والوميال كالمطال أول كالكندار بالمسل كوائد وبير قرياني الروان بوجا سينه الدين من تكريم المؤمّات كالجوهم يكسكو تو واستويل كرا الدائوات كالحريث

وحلائام النعيل ويره مورو الفية المسترة عاركان وليوسل ويداري ويداي ويواده كرهدا أملكات يشاه بهوالمنكع بعدال والماوان بدوال يشام إقبرك بوعد مالي آب الاعد وباستحيق بمرآ أفراك إن الطيقال كي كيا محملت متى many produces in the product and of the sold and Little English wings to be with the server Line spice all shows - Book / J. aprolans مراكب ويرونها والمسائي بوعائل إنداك الدرة فيال كرسك في الدوم براواد إلى وعاتين كروا ودرو زسته دكمو man plante of laid - will a fore with a يد ارد الله الله المدارية المراد الله الله المساكمة عن المداع المداد في الماد في الماد في الماد في الماد في ال وها يم أوادًا وورود والمعارف الأورة وي مرايدان يدايا كدم يم يك والأورال م يه كويك و الفريق في من الدو قول الدورك من الاستال الما المعالم المنافية أجاتوكا العامير المؤتني الدوائي واه مسطر الصرب بالبحامام المغرب الوتساء أناته بالث الشاكشتي يناف والسستال ميرى جي أب سن في كرمول وكا الع تظیر حسن اسان مسیوائے ال ایر مروسان وولم برتو فدائے مقت دی التاكرناب تجديد ايك ممتابي دهما ب سرے دم می سے دہشن اُن دوحالی ویا ہے ترے ہواک جا حدرکو دعے اکا آصرا تبرى ستى جابسار دستان احسال يا در كھ اپني دعا ڏل جي البين بهر عث دا تدرع فورول سے سے تابید مان احمری تولي الي دعادل عداري مرد الصرب بالدعم واك زئرونشال كان رسكام عربي كركسي بدان صادة ونوكى بصعرده درون كيد تيرابيا ل كامياب وكاموال بوسك تم يقدام ب التزب جائي ينترى برادائ نازير أفرين كمتاب وتمن لمي زست اعرازير شائل مال أن كيمو يحيم لمعرى العال موجب رحمت ومول يمياع تيرا وبود بع وتناالله كالجديردب لطف كرم فسنت والعرب يوى بردم ب يك فلام بعروصال تؤوصال باردر امكال بنود بكرموت ب فلك يراج مضغواني زى بول تف بدخاه وشن داري ملك عدم نازكش الم خروب عقب وداناتي تري البيضم تصدي رين كام سيان تم تهربين اكب بارلانترثيج كالمنظركها عاسلان لوسف ياكيزه دامال مسنج لا سأبكل زائسكل اوبجيه كازال مفرط وازال مجموعالم إبناسنزاجيوت اليكاف كرت ليركمنيد لابور

مستات بین گونی مصلے مود کے متعلق جاعث کی بھاری ذمرہ اری

المجورت المعرف المالي المالي وت الوديدا" المال

المعتدرة مروامد براء مساس ورا معرفده

Allender Stranger

وي ي الله المارة المناه المناه والمناه المارة

ادراسي كي ممل كايي أوروم ادى عصل وي بيد

عُرَال عَرْ مِعْ عِنْ السَّمَالِ فَا لَكَامِسِ يَهِمَثُ لَا مُنْفِولُسِي عَيْرِيمَا كَا مُنْفُولُسِي عَيْرِيما كَا فَاللَّه ك عرف الرافعوس المارك النوع برز محقد القائل فيه عاما بل وجاحت الدي في وارواد قام مع تعلى رافيات الحاجرة أوجد أي بوان ما العرفي صفات مك إره می انشرقائے کی امرطام قرارت و اس سے در انتقی طورے یہ مرا انجی جا کہ ہے۔ او مواصف سکا طوار کو چا بیٹھا کہ وہ می ایسے آپ او ان صفاحت سے تصف کوار ، کیا تھ مناكم ولفن المستريد والمت المالم والمورة المدوق في بالمال المالي حبست كيا ان كارُول كي الشاري والرام الماري المرامي المرامي المرامي المرامي المرامي الم مَعَ أَنْ أَلِينَا مُعَلِّمُ الْمُعَلِّمُ مِنْ مُعِيمُ إِنْ مِنْ أَلَامِنَا وَالْمُعَالِمُ الْمُعَلِمُ وَالْم الد الي مسال ورود في كاريب فروا من أو كرود اي فز التري كم ما قر الن كم مساعة عل تين إلى وكرفود إلى ميتسايت القلاست كراني الأكاليجام والتساقية يد يتفادر لما معمود كريس مو إلى عن الله الما مارة براوات كالدائد ومايت الي يجال الشروري الدرات مواوي مواصلوة والمدور والروسي وجودل واستع تسق من مخصرتن الوصا الت إمال مستام منازيا والنسط اليوروات والتنابية كرافلتون ميدكم المحت أولي البيا الدواده المعالف يلا أرساء أن الشيش كن بالبيارة كالمخوال ان اکن کے درمیان کال اتھاں اور اوائٹ کی حورث قالم رہے اور کا کی کر ڈائٹ کو دائٹ ک وتما مرار معدود كسريخ والله لعدى المرحك وكالمعقب والوف اللبه والمتعمد وممتصوص أوات أثير وإجلياء

بال و معدلم موتود والى ميشكري مي صيح الله متل بعث عددت كورت وقد و يد بعد يكي مد بالي بدئه ويميشكري مي معربي المث مد بدا و والفات كو ايدة

اقد میں آگرہ ہوئے ہے اگر کی جارائی ہیں۔ ۱۱۱ بیل ایت جرمعسلام موخور والی ایسٹولی پر خدیشی ڈے اکمی ہے ، اور اسس ویت کی دسیسے میں درمیل والی نہیں جو جامعی ہے ، اول کے افتا طابعی جان کی گواہے ورمی سند درائیسے۔ حرص سند درائیسے۔

مود دوج الن كى وكت مع الموركي الماريل مع ما المركي المسلم مع المركي المسلم مومودكي والمسلم الموركي والموركي والمسلم الموركي والموركي والم

ر (۱) ماری دا و مفت م ان سیگول می مصلح موجود کاریان که ای ب : سرک

و و علوم فلا بری و اطنی سے ایک جانا ہے۔

ومنت مي مروقة من ادرائ الروي مريع بين من سف ارائية مالت بيد ي سه ويركي في أني نفر المد قول مرد كياه سي أن مما و الحد المنه من والدهم واللم من أولم أو يوادوم واس اورال كم في مواول أو الراحد م الراب ولان ي أو اليداية (ام مع كالاستان وواراد فاساول و عدا والديماة من جيمن كالمم في وقوال بي كم الرقس المريض كسي على الم می دا اڑے و واڈ اور تری سے و اس مراحمل افران سے و اے اب ے افر سے وال مے ارائستروے اور اور ای کہ سے دراہ سے ت اور اور اس وجودان وحجا وتست وشاجعا واستاء بعيرانيك فاحل وتساج الزوارات المعالي القوال والتا رعوم وفي والله الله الدسه والهم وفي كريم شايدة لوم فاسك في المحصر كالاسكاسة كا ود ودول المركم كلوم عدال ورد وا مؤمل ال مي مامل كان اور موم وهي من مامل كان اور مام عن المسروري و وي كرمزت الأ المستعمدة والما من الماس على الماس ا يو يمين كروه اينه المول اتباع عن اور اجت أميد كو الكياس بكسال وقل كري الا الوا إلى عداد مويد التاريخ الدر الله الدر الله الله الله المارية والا عدا فاح الله ال فاح الشكل ك الداف كا يران كا كاست

عمرو کے دیارے <u>آئے ہو دو</u> تو

- انم حرر فيقا بارتمام فسطر بالبار ...

پیشا ایول کو فارجا ال سکت ہوست تنب درخر کو دشاب اماراں سکتا ہوت موز درول سے جرہ فروز ال کے ہوٹ محود کے وارے آئے ہو دومسسو

دل می کسسی کا برا دبیائے ہوئے ہوتے سینوں میں ایکسٹا گسجوئے ہیلے ہوتم استحول میں اکنووں کوجھیائے ہوئے ہوتم محود کے ویارست کسٹے جو دواست محود کے ویارست کسٹے جو دواست

> وہ دومیوں کا گھر وہ محبت کی امرویی وہ حی کی خاک اوج اثر یا سے کم آئیں ہے جی کا فراہ فراہ استاروں سے محرکیوں محدود کے دیا دے کہتے ہو دواستو

دادا گان داوجیت کی سردی وه تحران داوجیت کی سردی ده دا بران داوجیت کی سردی همدی وادست کستری دومستو

> مِن کفتای فردگی موسی ڈال وال عضی بی تن کی خلتو ل کے جراب گرنال جراب کردیں ہے ماتی مطاق ہے جب ڈن محدور کے دیارے اسے بو دوست مفتیطر کئی کی یا دیمی او کی ایقراد ہے گریا بساط زلیمت پر دفضال شراد ہے اس کے لفیریب میں بی تم کی ہمار ہے اس کے لفیریب میں بی تم کی ہمار ہے امریکے دیارے کے فرارے کے جودوست

+ 2/8 of Call Call Bit -

صفته بصبراختی و العصاد گرای تا سب در در مثل دیداند یا بینته دران بی به گرامی او مشیود می ادمان کما هسمی دمان سنه امی دید دیم امرو نیک یامی مساسده ای بیسکولی می معسلیم موشود بی برطن کی تی بیسک و در میرکد

· Such = Sienacri والفاظ منوات من لواد الله صولة واسام منه وسي ورالمدران والوف أقاره أسال المراسي المالات ويواسط كم الماسي من المراسي مواسة مسيح اليوري سلوة والسلم التي القرار مين الأعلوة والالم في الماع مي الله سور مدار و درول مصلح موسود مي المصف المار دري الاورال سارة والمواع مرفعات المورادة أو في الما المواسك المواسك المواسك مدر من يد من الما ما من من الما الموم من الدر مياني و مد المن المري الم ت المايدة مرا بالمد إلحول مع ويا يا الديمنوري مدا معول مد المسرية " ينها روه راسا الإن الدهمة رامعيشه رفيه أسامِقة الدرا قاؤ كلفاء سكه زمازين كر الدا الله الله المراج وفيا مي واستركمت ميريد فعاد قداب المراز الأوات أخريب برستند يحق المراسك بروادمياني والأعج أمخط ستبطيع المراطيروا أبوكم وي كد المسلمة المان والمسترور والمان والمان والمعاول والمان المان الورت أل إلى أي الربيها كرومول إلك المداولتين المساق ووشاكم والورك فراويس اسمام كادورا المركادور مخدواتها حى لا المسكروس كا لهار مصري موعود ك عردت الرواع مو العل اورو ياسك كالدولة السكى و مرست الرواست بركت وال كى الي موسال موعود كي الرافع على المت مي الخير جان كالرافي به كروا اب المول ترالمسلم اورا فويت كالمحتدا في وزيا مند وسط أب في الم المراح اور مراک ہور مرافات اور موشعر ہی میٹل قومول کو بات دی چی واسے ، سے ڈکٹ ار برخت میں دنیاست برسست افراد حالک میں جانست انور سے میٹ انسسلام کی مسن مست چیسے مرسے میں مرح و تعالی ومین آ اوری کے مقابل یو ان معقول کی آف او کو یا سنے یہ تکسیدکہ بارسی میں لبغااب وقت سے کہ جت کے تعلق والی زادی ہے أروة قدا وي مُركِم أيل الدرم جاء الخاصة غلم في مبل أربيا عبر في قرص كورك ولي الده فالرب و ما وي و الما ي السام الدا الرات ع المد فرا المت مراد مصل على محت الل ك لل أكسال بمحت ل والهام حدومه والدورا المعد خدا كريخ المنهون المورث بيد . ميكه الروف بيد مين كا يك عمد الكارس بيت الرواساوعي وماء ريوسان ما و س

محسف طفل ہے گر اس چال ہے ہمزل ہونے افران اگریمو سیلے بعدا انسکے نہ مہیستہ اگر مورات فسانے دعاری وہ ہوں وکھا وسیسے کہ جس بنی بعدا کرانے طب ارست ادراکی از خبار سے وقع میں امراکی وال جا اس و کا حول وکا تحق الآ یا بت العقلیم

مصلح مودي شان

شيئه ومدرمن تعلقا لثيرته كالمسلفات المستعان

Description of الموطنية والمعاد فالوامنة الدكارك of the following الأطيعا استام أرويد مكرا وعرابه والريب of the chief of or and the stand ورامه مسمه الااراد المرار الرار الهام و مع تواد الماليسيام لا ---فينك والمواملة المستأنول هججة المستناء والمسينة الرامان من من من من من الم -------و يستوسعو والمسرط السواد ---سيستنسك معود كري و فادلاست وادد ده الاوالى محاصوب يتعامر سدرا س والعسيسة مورمواسوا واسده و ب والمست كا أن إن الما أو الم الموات والما ي dream of disagratory وه هی مث را واست در تصدیقیمن مجن اب ب سب مع الماسيري والديما وي الدين

10 12 600 Levy منظ محر محا محد و توان و توسف رين لت فاع كالمعوث عمص الترس عم سرحو المدال الله موجون اوا كالرحد ك دولت مي مي ويدم يوا وي ن من ال ک می وی می اول عروب ءر مدمو تسطاله مطرت بمكا د ترقوها والسنام مصاهروك لتان سيعوان دفاؤن سك بي من هنام مواحم الفريد بي الدائر

و كم يسم يد اي دست سك يد مي - م

لا والمناسم ك من العلاميد إلى المان م

الاستان وسيد الروس ام - مراهيم المساف استان مي رساسي 12 15-10-5 20 20 ک هورکه این مایت و این ماه این انتصاب الارامة عيري فيروره وما والمواحدات المدافقا سنه موتمدي والاسك فهامي الدا مود المى الدارة ومن كام الى ك متروسه وال مقالهم مرادود است عرص مرامسا ع الله والتعارفية على في عرفوري عادة ريار والماك ما المكري م مراع مي او ميكن ميل (د ومحتي الاس الد 1000 x 2 9 26 26 16 16 16 1000

مشوفي كالعاظر تستعيمتي كوكات ع محى السان ي حمل سكراء عواق ما وكالا سياد. السي البؤاهم الشدان السوادات العرث المعارث PRISTING PARTY wind of the state of the state of التروك المائة الهراء الراج المراح الم النائيات الثراها سف مصيحاتهم لا مجل و صويت الشاكا مساعدة الراسك والمشارع وسي Production of the last والمراوا أوالمساء يستطاعا كالمتحار منا معالما معرشا فروسي المعارات والمعا مناسط او يميا يراد الشياشا عليست الماشيات عال منعدان لام اسمد وعي ليدك اس منطول مي هد عشورت موالدوني آلسند كي المعادات entry of the state of the state of سريدا كدويت موة كول الالتالية المستنواحة والجي أرست والأم الواركومي أه ام زين وفالعاسط ي اسيا رسيما هوا اس ے موروں کو ورا کے الان سے اس الله الما في دار و السام والاسمال م المواسق ل مي وال أن مي موالي و ان الميال سعامس سسع راه مورت کی لئی کافرا كا مرسعه له ك حق مهادت موليات الدم الم المرام من الدين والمرام المرام اكرادوم وحرب محداميدال يعط سكيمليغ موالدد موست كما محيادت استدريا سيته مسينه كروس امتوكر آ سيستك بجلاطما سه موقود ال سكه اساعة فوا زي الموكمة

الدامون عادة في المام ال

6,50 Lo 6,00 100-18 0 5631

من ك دم شد كسد بن مسلمات كر

I da we the I Tradeling

العادان سياك موال والمنعاس والعالم

waste of the state of

at a carpoling hand

in - July do sy

, see up observant ان أل إمما ع مع الله الله که مقعل میسندان و پسیمه کمان کی در کے برقاد کرک اواق فیاعلین نے گوشت م سکت

متماان مواكر موتفى سيافث موسقه واللسين يستركه والمناوم كون الما Distriply of the state of

روا في مادين سروان و المهم دروان dy tribidion will enough 1864 6 20 0 9 10 2 20 10 و سرد سامنو و در ادافی دری می العراصة على والمساورة غرود والاستونيات is dollar our of manches المؤوال والمواسد والمراد المالات والما ے وہ ہو ان اب تماد الر لو تماد الر الم الم المراضوة والمدوال ومواي وراعتك عي ال eight in him of the المراكبة المراجب المساحد المساحدة المساحدة مشهدات المجيجات ل دب اطراعه ك سوكار يسيأ موسند توجهوا والناء أسه كوب إصافالهم المستعبرة والمعادم والمادوي مردي المسرافد المساورهما برائي است الاستادي المرتباطية الماكم المال الميد الشركارة الما كالمراس الموكرات الماس الم وقرك ومعسد في والرب ومية وسيا عادا في اجرد : مد وال الد المدينات امال سار مرسدو مدرد سد دارم میت کو اری دهی میدی آب در مدانسین سے اور س م از ل کے سعد اور کی میں 11 ک مس Postion or a Bearing والمراموس الاياب كالماب الاياب مر توکی و کر مستدا میں کے سات میا تعدی كوالك وعد وراك السادا في مول المعدم مرك معدد والرام و واست مع وست منا ته الني دامسكيمه و دولال المده وموسيه - de ser si de

فرم الماس و الماس الما الماري الماطري محما بوراد مهاوع مرافراول عاصف الما والما ومدومه عرب كا والمراكم المعلومة الاصلام المرارات الريط فروري سيادرا ساوري المستعظم مرس والمواسى ل Thomas - The Charles أدامات كالمارسة أوالكالمام كالمطبي العام بالعالمات كراك العاصل ع المراقع ------الت معنوب معلى عمل كل والله مسوت مي موادود

المساول الما مر مداستان محل منط أسعم العالث الا و مورد ما مواده ما عنوه اسدم كاصراحت يراجع ورمع كادمري كرور عرص سنة رامس مستان الاصراصي و اعبان لاد الدونيا أو تباز كدر البراس عرفا الله لعاشا مده سرس ر سرالهمودي كالمجل الشديجة (١١/١٥ ورعد م. ي.) and the state of the state of بناكر بركات ويكوفا وصحالا المست الشرك ما في المركعة والمساك محمدة والمسترود والمستيدات المحدا سدا الماسع للواحليب بادام منص اللولسامي الالولا عراعوه واسوم سام مواكنة وشوائك ن أوالما الرمد و بيافرانف عا مكا الم washing free states الم الم الم الم المناها والمنطق الما المناهم ا

Hold of the bold

وسنع فاستعمل ورقاع في الدعي لا يجال

ا موت سے اندائش اگر رہے کہ مراحت

و البياضي القدرم بالسبيط المالمل م

عدسيدوادام كما له

علد مصور واصفاع ل انتظمة - . ميكول

intelligible the ship

المان ليرك المان القرارا الم the state of the second state to produce the state of the Land State Stransland I was للوكوندال بيته الي فوص مي محمد () ارد واله مي من ارار مد احقيداتوافرانيس الداء الشُّر and the second of the second يم الل الديد وي الله ما الله مرافع مرافع مرافع مرافع مرافع مرافع مرافع a west of the way of the العيوس والمسامية المربي الراق الما ا ١١١ على ورسك والمستمين سے جہ جدا موں کہ وحصر کے اراق و منا ہ ووكرسي فريد المياني فريدا والمبدع وسعه الانوين المعرال وتسفر بحياء - الرصيا = 6 الموارض ويدر عدد مسكر والطنع وعد سك مجى السبى المسعوب معمدات الدرام الدوموات

مستع مرادد كالعلى الرابطي مما ل سنام 5, 24 4 N - de de 10 15, 20 18 18 19 19 19 والمح الدسين الدوسية الآليارك استاليو which the country of the country معران مساومور الودار واستراه وال a personal property of والمحالفات في العمدة الألامين المراجعة ده والصلي دا المارات سرآسيم 11010 St. 45-10-15-10

والمراجب فكراني المراج بالمرتجل Section 200 العروال والخوص شما سام there is not a مند تزكدسل ۲۰۰

J. S. 1 3.

6 4 1002 - a de marcial de la ser t - رای بند بالان ارانهای افزاید رست مراسى بيدا الراسيية فراد فالبري فالبرانيات أأراب الم مع بيان ياشد - الحماية الله المرد المام - المراجع المام المام الم a man water یا با د با باخ در با اس با را در مه منتورس کین بدک دورو مسی می محصرہ کو میں بناو مرکبا ہی with our or war to سننے کسی عمل اور کے ملی ن والمناسكة منوراني بماراون ينته 11000

No. of Section such a will soft of special descent 5-1 46 ا د وددرمه

بدم میں مشاہدا کہ کی ق می منطابات ويراد بمسيح فيصيعهم سليمان واستعموماته شعط معلى عدد لاسك مد يسكة * والمروب مشكاع

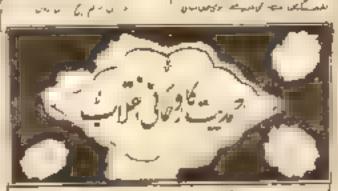
كالميناراداديم ما بيته مرم جيسيك

ودر خو ساقع اص م این اور شام این مورد اس ولاورسترمد مع شريعي پريسي عدقان ويومست ما مايور - The last Henry Windows وكوالي المات كي رق ب ALCON !

الله يَقَرِيعُ اللهُ مِن لِمُدِّهِ إِن اللهُ عَلَى اللهِ عِنْ الْمُعِلِّعِ لِلْهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ يَقِيلُ اللهِ اللهِ مِن لِمُدِّهِ إِنْ اللهِ اللهِ عَنْ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ

- علم من والمستران المنسية بمستط 1 12 15 10 The Paris Sales 2 . . . a and 4-11

A 100 100 40 الإمامة أملك كالإستصامين Spening pullet Lyngery Joyce L عاد مسعل موثر - مسمعال ال مصحور لا الما المقبل الأكيامية الفيمتيم حمرالمأملهب والابت ارويكوب المساي ملهاكم منه كرميت ويحورب



ور عن ب الا در مارسه

5 -6 - 84 -

. . . . -

- 2 ---

200

اما الالالالماجية

= 4 un 5 64

بالمموكك عجر بدعيان

يهت سے بولول كوس كا علم بى نبيل كراحات ونیایل کیب روه نی افعت داب پیدا کرری ہے ان اسلام عدون ووں کے مام



عاری کرو کر تغییل احمد سیت کی ان کامیا بول الد كامرانيون المصرية الرائي

والمتصافي والمراوس ويما سرمة توروزة and a second 250 10 والبيل فالمنبي بالمناسيط بها مفوقار الأحبات مراجعه بالطامكي

۔ رسی --- 00 12 به له عليه الله الله الله الله الله الله 2 20 000 لرياب الإحطاء بالهد لابنية جاوار سنف محموض د ودرون

طيبن يا التعييز إصاري والبية المعلك خيان بمطالت ب وينت عمر البيان ويهيج العمار +1 mc = 5 والأراض بحادثها مونيات وسيوا بالرواء والمحل مرفاء م المستوكين www.ceep * としょう メイト کافائر امان سیدی نے مامین

به برسته ای S. State Day Bearing ا کن میاد میمان ایمانی میسید شاهی مقیدا ال المحاكسات إلى مي مرابعيس the Same Elisa a

المنحد بالتكافية المانتين الأفراقيل

· ** * حراجها المستح حراسان ه ساله درمیس ----Aug . " E - 10 m - 10 m - 10 m 1608 - 100 a a more and the second of the second a company of a جان سے جود کر وریا ہے۔ ميد حمر - مو_{يا}ن د د المركارية ويرتوسه المعراسك مجاوري سرواه المالي علي المراجع عليه 4114 6 30 But the start was been provided as a first the same of Comments of the Comment المسيدة الماسية فالمحرج 1 4 - 2 148 -No 2 2 -1 mg با د خمتموده یو له properties of the second 212010 A Secret a Fr. 1 -----U- LE 1675 F 40 de ver عف دست د دراود سه و برخور للا يوسلون 20 8° " mile. " المد والمريب محمول الما الماء المجاول ن كل سوايد المني والود الله the territory and the we a pay to the way 5 5 11 - 1 am 1 ag That I do st co المراضي المالا لوال الما a superior of section of the section es de de describer y s 2 - m 2 4 4 on a non-desirable to the we as the second مرب کی فردستن ہے گئا۔ ریچہ انمیسیک معد الم المشيرل برسيمه کا د بصائد دکت ب او د داد و پر ماسد کی

The state of the s

مرتهم که املامی اور تهمت دید نتریجی نیخه آبی سره یه سیسکی شده الامیم کرنیدالاسلام بهرنی پرمیند راوی ماست س کرین

مياستهن ومشه

a while it is not my

a a superisante

Caption 23 4500

التدميرة فاعصوا فإشفاء فكواوق الاكافية

المرعن والمتعارض والمتعارض والمتعالي

جيرا بالمستركعي بكيد فعاسب

おしてかしまか

الين مركال

المامشكو ووبالأوالسيين

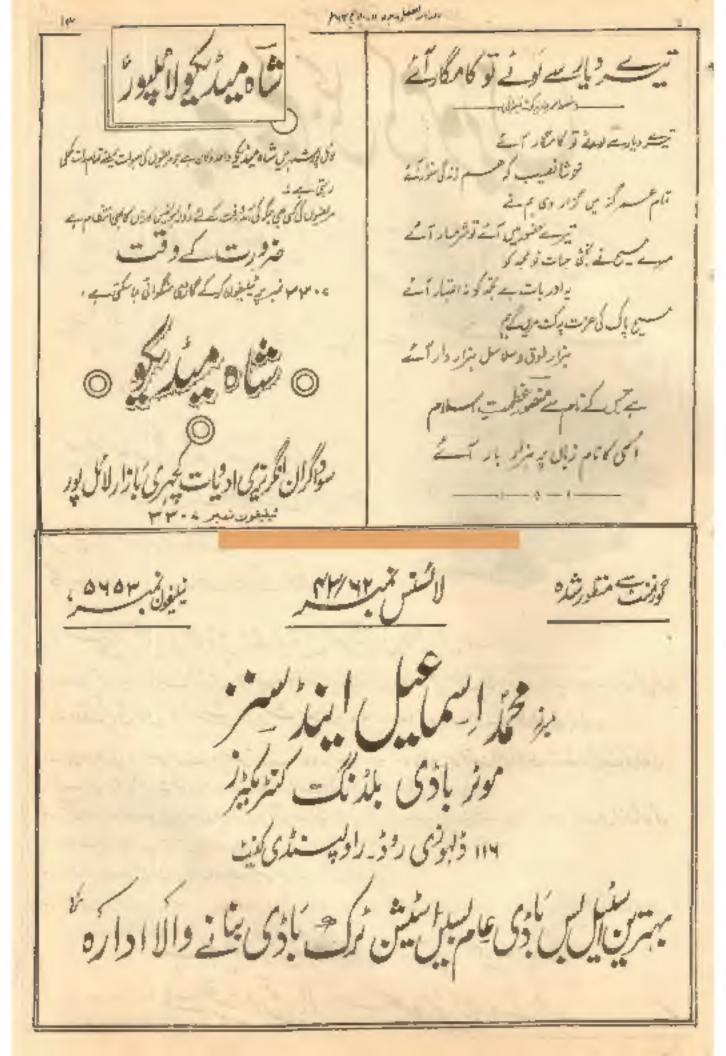
بمهتري بكزي

م مستد ما حسيد.

11 La 100

المراق ا

مران برست به المران مران المران المر











رزمین قا دیان کااولین واخت 🗴 منابغة لمسين اول في والية مارك القوا قار فالح الكالاسكالي المراج المراج والمراج والم The latter when the start ووال تاص 3000 4-18/18/18/19/19 المسروف لاواحد الان 10 150 دراي - اركار - شرا كار 42000 Gard Strick المنافرا المستري الرية الوالم وكراليال Jes 100 8 2 18 18 whole settle 4-121-13 جال اصول ما المساولادوي 420000 Mr. Para المتيال 15000 هدوانشا بالذووا منازى allowed stalled 11/11/2 2016/10 هر اراماز اور 47 5070 " retain the state of la West of Mary Co we willings

مفوى وفائع توليالها

51 - FO - 100 0 m 165 1





يشاورون والمستحروب

8000

Latic William 10 mg

> والأرافة المالية والمنافقة with the state of the first of the state of the - SELLE WERLESS - - Porty Seller Street Francis 1. 31 3 1 2 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 England of a filler invitation as your stapped the state of the butter of at it is a man deal some to talk in

aurulianise

Collection



التتايين تقادنا كالمت الانتاف ع

